



پای درس اخلاق آیت الله مظاهری؛ گناه انسان را زمین می‌زند/ یکی از الطاف خدا توبه است

آیت الله مظاهری گفت: گناه انسان را زمین می‌زند اگر کسی با مجاهده و با عمل به جایی هم برسد اما اگر یک گناه آمد سقوط می‌کند کسانی که به جاهایی رسیده‌اند اما ناگهان به خاطر یک گناه سقوط کردند.

آیت الله مظاهری گفت: گناه انسان را زمین می‌زند اگر کسی با مجاهده و با عمل به جایی هم برسد اما اگر یک گناه آمد سقوط می‌کند کسانی که به جاهایی رسیده‌اند اما ناگهان به خاطر یک گناه سقوط کردند.

به گزارش خبرگزاری مهر، درس اخلاق این هفته آیت الله مظاهری در پی می‌آید.

بحث ما دربارهٔ معرفه‌النفس بود که پیش اهل دل بالاترین بحث‌هاست و پیش علمای علم اخلاق بحثی بالاتر و بهتر از این نداریم. بیست و دو فصل از این بحث را عنوان کردم و به طور فشرده در این بیست و دو عنوان صحبت کردم.

فصل بیست و دوم ما در یک امر فوق‌العاده مهمی است که ناقص مانده است و آن رابطهٔ انسان با دیگران است. دربارهٔ رابطهٔ انسان با باطن و درون خود و درون انسان با ظاهر و بدن و جسم خود، صحبت کردم. جلسهٔ قبل راجع به رابطهٔ انسان با خدا مقداری صحبت کردم و فهمیدیم که اگر این رابطه محکم باشد و اگر این رابطه جداً عالی باشد، این می‌تواند برسد به جایی که به جز خدا نداند:

رسد آدمی به‌جایی که به‌جز خدا نداند بنگر که تا چه حد است مقام آدمیت

اگر این درنده خوئی ز طبیعت بمیرد همه عمر زنده مانی به روان آدمیت

طیران مرغ دیدی تو ز پایند شهوت به درآی تا ببینی طیران آدمیت

اگر این رابطه محکم شد، خلیفه الله می‌شود که هدف از خلقت انسان همین است. اگر این رابطه محکم شد هم در دنیا و هم در آخرت عزیز است و بالاخره در سیر من الحق الی الحق هر قدمی بردارد، برای او از دنیا و آنچه در دنیاست، بهتر است. هفتهٔ گذشته دربارهٔ این مطلب صحبت کردم و جمله‌ای بگویم و وارد بحث شوم و جمله اینست که همه و مخصوصاً جوان‌ها! فهم و یادگیری این حرف‌ها استدلالی نیست، این حرف‌ها گفتگویی نیست، این حرف‌ها رابطه با خدا می‌خواهد و عملی است. پس بیا بید تجربه کنید. هرکه باشد، با تجربه و با عملش می‌تواند به جاهای بالایی برسد. ولو آدم بی‌سواد باشد.

کربلایی کاظم اراکی در زمان استاد بزرگوار ما آیت‌الله العظمی بروجردی بود و آقای بروجردی ایشان را خیلی دوست داشت. رابطه با خدایش رسید به آنجا که برایش تشریف پیدا شد. آقا امام زمان آمدند و او را بردند در امامزاده‌ای در اراک و آنجا او را حافظ قرآن کردند و غائب شدند. حفظ قرآن او عجیب بود و حتی رسیده بود به آنجا که غلط‌گیری قرآن را از او یاد می‌گرفتند، در حالی که سواد الفبا هم نداشت و رعیت بود. اما به خاطر رابطه با خدا و به خاطر مواظبت از حق‌التاس و برای مواظبت از نماز و رابطه با خدایش و به عبارت دیگر به خاطر تقوا، این گذشت و ایثار و فداکاری موجب تشریفش شد و آقا امام زمان به او گفتند کتبی را بخوان و او گفت سواد ندارم. باز آقا فرمودند بخوان و او هم خواند و ناگهان دید آقا نیست و توجه کرد که حافظ قرآن شده است. حتی ما او را امتحان می‌کردیم. دو واو کف دست می‌نوشتیم که یکی واو الفبا و یکی واو قرآن بود. از او می‌پرسیدیم از این دو واو کدامیک قرآن است؟ دست روی آن واوی می‌گذاشت که به نیت قرآن نوشته بودیم. می‌گفت قرآن نور دارد و من نور قرآن را می‌بینم.

«قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ» [۱]

حضرت آیت‌الله العظمی بروجردی خیلی به او علاقه داشتند و با او خیلی حرف می‌زدند. مرحوم آیت‌الله حائری حائری امتحانی از او به عمل آوردند. مرحوم آیت‌الله حائری هم به او علاقه داشتند. نشسته بودند پای کتاب‌ها و او وارد شد و بعد از تعارف‌ها، آیت الله حائری به او گفتند این قرآن را بخوان و به جای قرآن، کتاب به او دادند. ایشان هم کتاب را باز کرد و گفت این قرآن نیست. مرحوم آیت‌الله حائری گفتند: از کجا می‌دانی این قرآن نیست؟ گفت برای اینکه قرآن نور دارد و این نور ندارد. بعد ورق زد و آیه‌ای پیدا کرد و دست روی آن گذاشت و گفت این قرآن است، برای اینکه می‌درخشد و نورانیت دارد.

پس رابطه با خدا عمل می‌خواهد: «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ» [۲]

قرآن فراوان به همه ما دستور می‌دهد که اگر راه را می‌خواهی، مجاهدت کن. مجاهدت یعنی اهمیت به همه واجبات و مخصوصاً نماز. باید از نماز لذت ببرد. اگر نماز بخواند و نماز برایش سنگین باشد، به جایی نمی‌رسد. باید نماز شب بخواند و از نماز شب یک رابطه کامل با خدا پیدا کند. باید به فکر دیگران باشد و به هر اندازه می‌تواند حاجت از مردم برآورد، برای اینکه پروردگار عالم این کار را خیلی دوست دارد و بالاترین چیزها و دوش به دوش نماز، خدمت به خلق خداست. بالاتر از این دو، اجتناب از گناه است.

گناه انسان را زمین می‌زند. اگر کسی با مجاهده و با عمل به جایی هم برسد، اما اگر یک گناه آمد سقوط می‌کند. زیاد دیده‌ایم از اهل دل که به جاهایی رسیده‌اند، اما ناگهان به خاطر یک گناه سقوط کردند یا به خاطر یک شبهه یا غذای شبهه‌ناک سقوط کردند. اینها هست، اما مجاهدت می‌خواهد. مرحوم آیت‌الله آقای خوئی «رضوان‌الله‌تعالی‌علیه» انصافاً مرد بزرگ و اهل دلی بود. ایشان فرموده بودند من در خوی طلبه بودم و کسی آمد و قرآن را در تاریکی می‌خواند. ما اطرافش را گرفتیم که این چه معجزه‌ایست. مثل کربلایی کاظم نور قرآن را می‌دیدیم است. مرحوم آقای خوئی از ایشان تقاضا کرده بودند یک دستورالعمل به ایشان بدهند و ایشان یک دستورالعمل داده بودند.

اگر بخواهیم می‌شود و خداوند رُسُلش را می‌فرستد. قرآن می‌گوید ملائکه می‌آیند و ملائکه می‌گویند ما نوکر شما هستیم: «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ، تَحْنُ أُولِيَائُكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ» [۳]

کسانی که جداً می‌گویند الله؛ یعنی رابطه با خدایشان محکم است و اهمیّت به واجبات می‌دهند و با لذت اهمیّت به مستحبات می‌دهند و اجتناب از گناه دارند، قرآن می‌گوید ملائکه بر اینها نازل می‌شوند و به اینها دلداری می‌دهند که از آینده نترسید و از گذشته غم و غصّه نداشته باشید؛ ما در دنیا و آخرت کمک کار شما هستیم. فقط در آخرت نیست که دست شما را می‌گیریم و فقط در آخرت نیست که به اذن امیرالمؤمنین شما را پای حوض کوثر می‌بریم، بلکه در دنیا نیز به شما کمک می‌کنیم.

مرحوم آقای خوئی «رضوان‌الله‌تعالی‌علیه» فرموده بودند که آن فرد، دستورالعمل را چهل روزه به من داد؛ اما یک امتحان برایم جلو آورد. ایشان دستور داده بود روزه بگیرم و از غذایی که برایم می‌آورد افطار کنم، اما روزه، برای افطار نیامد و من نتوانستم تاب بیاورم و به کبابی رفتم و غذا خوردم و تا غذا تمام شد، دیدم آنچه در این مدت به دست آورده‌ام، تمام شد. بعد آن مرد آمد و تبسمی کرد و گفت نتوانستی در امتحان نمره بیاوری! هر وقت توانستی در امتحان نمره بیاوری، می‌آیم و کمکت می‌کنم.

جوان‌ها! بیایید و تجربه کنید. جداً اهمیّت به همه واجبات دهید. برسد به آنجا که وقتی موقع نماز شد، دگرگونی در شما پیدا شود. قرآن می‌گوید باید چنین باشد که وقت نماز ترافیک در خیابان‌ها نباشد. خیابان‌ها صددرصد خلوت و بازار صددرصد خلوت و آنچه پر باشد، مسجد باشد. نماز شب رابطه با خدا و درد دل با خداست. انسان اگر غم و غصه‌ها و نگرانی و اسراری داشته باشد، بعضی اوقات شوهر به زن و زن به شوهر نمی‌تواند بگوید، اما با خدا می‌تواند حرف بزند و در نماز شب با خدا حرف بزند. اگر به راستی با خدا حرف بزند، گناه هرچه بزرگ و فراوان باشد، می‌آمرزد. او ما را خلق کرده برای اینکه دستمان را بگیرد و ما را بکشانند به سعادت و به سیر من الحق الی الحق. لذا یکی از الطاف خدا توبه است: «قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعاً إِنَّهُ هُوَ الْعَفُورُ الرَّحِيمُ» [۴]

به گنهکار و به آنکه روسیاه و دل سیاه است، خدا خطاب می‌کند: بنده‌ام! بعد می‌فرماید: ای بنده گنهکارم که خیلی گناه کرده‌ای! مأیوس نشو و جداً توبه کن. کسی از رحمت خدا ناامید نمی‌شود و گناه هرچه بزرگ و فراوان باشد، اگر توبه کند و جداً به جا بیاورد، خدا حتماً می‌آمرزد. این راهی است که خدا جلوی پای ما گذاشته است.

باز آ باز آ هر آنچه هستی باز آ

گر کافر و گبر و بت‌پرستی باز آ

این درگه ما درگه نومیدی نیست

صدبار اگر توبه شکستی باز آ

به‌راستی صد بار هم اگر توبه شکستید، بازآیید و در راه باشید. خداوند وعده داده دست انسان را بگیرد. خدا به ملائکه وعده

داده که به ما کمک کند. قرآن می‌فرماید: «لَهُ مُعَقِّبَاتٌ مِّنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِّنْ خَلْفِهِ يَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ» [۵]

یک دسته از ملائکه مواظب ما هستند. معنای این آیه اینست که اگر حرفشان را بشنوی، آنها محیط هستند و شیطان فرار می‌کند. شیطان با کسی است که حرف شیطان را بشنود و الا قرآن می‌فرماید شیطان حق ندارد کسی را که خدا را دارد وسوسه کند. شیطان وقتی رانده درگاه خدا شد، به خدا قسم خورد و گفت خدایا من همه را همراه می‌کنم، اما با مخلصین هیچ کاری نمی‌توانم بکنم و مخلصین از دست من رها شدند و در صورت من زدند و من از آنها مأیوسم. پس یک دسته ملائکه منتظر این انسان هستند و کمک کار او هستند. می‌رسد به اینجا که این ملائکه با او حرف می‌زنند و می‌گویند: «تَحْنُ أَوْلِيَاؤُكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ فِي الْآخِرَةِ»

به او می‌گویند هم در دنیا و هم در آخرت به تو کمک می‌کنیم. رابطه با خدا آدم را به اینجا می‌رساند. پس بیاید تجربه کنید و ببینید که قرآن درست می‌گوید یا نه.

اولاً راه‌هایی را می‌خواهد که بزرگان گفته‌اند. مثلاً یقظه یعنی بیداری و بعد توبه جدی می‌خواهد و بعد از توبه، تقوا می‌خواهد. یعنی اهمیت به واجبات و اهمیت به مستحبات و اجتناب از گناه می‌خواهد. بعد تخلیه می‌خواهد و به مرور زمان صفات رذیله را از دل بکند. تخلیه می‌خواهد یعنی صفات خوب را جایگزین آن کند بعد می‌رسد به تجلیه که نور خدا در دل این می‌تابد و تجلی می‌کند و بعد به مقام فنا و لقا می‌رسد و معنایش اینست که هیچ کس و هیچ چیز در دل نیست به جز خدا.

به دریا بنگرم دریا تو بی‌ثم به صحرا بنگرم صحرا تو بی‌ثم

به هرجا بنگرم از کوه و در و دشت نشان از روی زیبای تو بی‌ثم

پس تجربه کنید؛ مشکل هم نیست، بلکه ما مشکل می‌کنیم. چون اعراض کرده‌ایم، پس نماز برایمان سنگین است. چون رابطه‌مان با خداوند محکم نیست، خواب بهتر از نماز شب شده است.

حاج میرزا علی آقای شیرازی یکی از علمای بزرگ اصفهان بود. مرحوم شهید آیت الله مطهری عاشق او بود و ایام تعطیلی قم برای درس نهج‌البلاغه این آقا می‌آمد. ایشان به قم آمده بود و یک شب نماز شبش تعطیل شده بود و تقصیر کسانی بود که به دیدنش آمده بودند و این که باید مثلاً ساعت ۹ بخوابد و برای نماز شب بیدار شود، ساعت ۱۱ یا ۱۲ خوابیده و نماز شبش تعطیل شده بود. فردای آن روز مثل باران گریه می‌کرد، زیرا نماز شبش تعطیل شده بود. معلوم است که چنین شخصی به جاهایی می‌رسد. معلوم است که راه را پیدا کرده و می‌تواند در این راه برسد به جایی که به جز خدا نداند.

پانوشتها؛

[۱]. المائدة، ۱۵: «قطعاً برای شما از جانب خدا روشنایی آمده است.»

[۲]. العنکبوت، ۶۹: «و کسانی که در راه ما کوشیده‌اند، به یقین راه‌های خود را بر آنان می‌نماییم و در حقیقت، خدا با نیکوکاران است.»

[۳]. فصلت، ۳۰ و ۳۱: «در حقیقت، کسانی که گفتند: پروردگار ما خداست سپس ایستادگی کردند، فرشتگان بر آنان فرود می‌آیند [و می‌گویند]: هان، بیم مدارید و غمین م باشید، و به بهشتی که وعده یافته بودید شاد باشید، در زندگی دنیا و در آخرت دوستانتان ماییم.»

[۴]. الزمر، ۵۳: «بگو: ای بندگان من که بر خویشان زیاد روی روا داشته‌اید، از رحمت خدا نومید مشوید. در حقیقت، خدا همه گناهان را می‌آمرزد، که او خود آمرزنده مهربان است.»

[۵]. الرعد، ۱۱: «برای او فرشتگانی است که پی در پی او را به فرمان خدا از پیش رو و از پشت سرش پاسداری می‌کنند.»